

بررسی رابطه بین هوش با استعداد و خلاقیت

رحمت اله خوارزمی رحیم آبادی^۱ و رقیه ایران یار^۲

ارزیس انجمن علمی آموزش و پرورش استثنایی استان گیلان. ایران
۲کارشناس ارشد روان شناسی، دانشگاه علوم تحقيقات گیلان. گیلان. ایران

چکیده

یکی از مراحل حساس دوره رشد شناخت استعداد ها و رشد به موقع توانمندی ها و جهت دهی آن می باشد . در این مقاله به بررسی رابطه بین هوش با استعداد و خلاقیت پرداخته شده است. زیرا که موفقیت افراد در تمامی فعالیتها و رفتارهای به میزان هوش و استعداد او بستگی دارد. که با شناخت و رشد استعداد و جهت دهی آن به سمت فردی پویا و خلاق تبدیل مهیا گردد.

واژه‌های کلیدی: هوش، استعداد، خلاقیت

۱- مقدمه

بارها دیده شده دانش آموزانی که از لحاظ توانایی و استعداد یادگیری شبیه به هم هستند در پیشرفت تحصیلی تفاوت های زیادی با یکدیگر دارند. این تفاوتها نه تنها در یادگیری درس های آموزشگاهی بلکه در سایر فعالیت های غیر تحصیلی نیز به چشم می خورد. این جنبه از رفتار آدمی به انگیزه مربوط می شود. شناسایی مفهوم انگیزه و آگاهی از انگیزه های مختلف و تأثیر آنها بر فرایند یادگیری دانش آموزان به معلم کمک می کند تا در طرح و اجرای برنامه های آموزشی خود روش بهتری را به کار بندد (سیف، ۱۳۸۹).

بسیاری از روانشناسان از جمله بینه و سیمون (۱۹۰۵) ، اعتقد دارند که میزان درک و فهم انسانی ، از هوش وی سرچشمه می گیرد. آنها اعتقاد دارند که خوب درک کردن و خوب استدلال کردن از فعالیت های اساسی هوش است. از این رو ، هوش را یک استعداد فکری بنیادی می دانند که تغییر یا فقدان آن برای زندگی عملی ، اهمیت بسزایی دارد (روید ، ۲۰۰۵). اعتقاد به خلاق بودن نسبت به استعداد خلاقیت تاثیر بیشتری در بروز توانایی های خلاق افراد دارد. اگر ما بتوانیم این نگرش صحیح را که همه افراد خلاقند در خود و سایرین به وجود آوریم دریچه ای وسیع را به سوی جهان حقیقت گشوده ایم (میرافضل، ۱۳۷۱).

برخی از پژوهشگران بر این باورند که خلاقیت نتیجه همان فرآیندهای شناختی هوش است و تنها بر اساس پیامدهای آن به عنوان خلاقیت در نظر گرفته می شد. یعنی زمانی که نتیجه فرآیندهای شناختی اتفاق می افتد به تولید چیز تازه ای مانند یک رمان نیز می انجامد (Fist and Barone, 2003; Baty, Farenham & Becriar, 2008).

افراد تیزهوش و با استعداد کسانی هستند که به کمک فکر و استدلال و استفاده از فرایندهای ذهنی عالی بتوانند به صورت صحیح قضاوت کنند و دارای استعداد خاص در کارهای خلاق با شند (میلانی، فر، ۱۳۷۴). تیز هوشی می تواند بر ویژگیهای شخصیتی فرد و موقعیت آموزشی او اثر گذارد و پیامدهای آن ممکن است مثبت یا منفی باشد (نیهارت، ۲۰۰۷). الگوهای متعددی که از سوی روان شناسان و محققان برای خلاقیت ارائه شده است عوامل زیادی مثل انگیزش ، سبک های تفکر، ویژگی های شخصیت و نگرش های شخصیت و هوش بر خلاقیت اثر دارند(هنسی، ۲۰۰۰ ، اشترنبرگ، ۱۹۸۸ به نقل از لطیفیان، ۱۳۸۵).

خلاقیت به معنای خاص آن به مثابه برترین ویژگی ذهنی انسان مولد و متفکر، خود نشانی از رشد متعادل و متعالی شخصیت و پاسخی است به نیاز همیشگی انسان به شکافتن بن بست ها و راه یافتن به فراترها(افروز: ۱۳۷۲، به نقل از امیری و نوروزی: ۱۳۹۱). لذا خلاقیت را شاید بتوان برترین سطح یادگیری بشر، بالاترین توانمندی تفکر و محصول نهایی ذهن و اندیشه انسان دانست(آزبورن: ۱۹۶۳، به نقل از همان).

اندیشه خلاق، قابلیت است که می توان آن را در همه ی ابعاد زندگی انسان مشاهده کرد.. انسان به وسیله ی همین تفکر خلاق می تواند توانایی خود را افزایش دهد. مسائل و مشکلات را حل کند و به سوی کمال و ترقی پیش رود. امروزه، عقیده روانشناسان بر این است که خلاقیت، ذاتی یا فطری نبوده بلکه میتواند اکتسابی باشد. از طریق آموزش میتوان به کودکان آموخت که به راههای غیر معمول فکر کرده و از طریق تفکر واگرا به بررسی مشکلات خود پرداخته و به راه حل های مناسب دست یابند. بنابر این در این حیطه لازم است به مربیان آگاهی لازم داده شود که جریان خلاقیت،.. جریانی از قبل ساخته شده نیست، بلکه روندی زاینده و قابل تغییر می باشد (مفیدی، ۱۳۸۲).

راجرز (۱۹۵۴) و مازلو (۱۹۶۲) دو تن از مشهورترین روانشناسان انسانگرا هستند. راجرز صاحب نظریه "پدیدارشناختی " معتقد است انگیزه عمده دررشد شخصیت عبارت است از " تمایل فعلیت بخشیدن به استعدادها ، توانائیها و خواسته ها " . خلاقیت نیز درحقیقت نوعی خودشکوفائی بعنوان عالی ترین مرحله ارضاء نیازها و رشد شخصیت است و آن عبارت است از اینکه موجود زنده میل دارد و تلاش می کند تمام استعدادهای بالقوه خود را تا حد امکان بالفعل ساخته و تعالی ببخشد. (وهاب زاده ، ۱۳۶۶ ، ص ۴۰). خاستگاه این میل ، واقع بینی ، استقلال عقیده و رضایت درونی فرداست . بطوریکه واقعیت پدیده ها را

همانگونه که هستند بپذیرد، نظرات خود را تابع دیگران نسازد و از نتیجه تلاش فکری و کار خلاقانه نیز احساس شغف نماید. به زعم راجرز امنیت روانی و آزادی، احتمال ظهور خلاقیت را افزایش می دهند (مویدنیا، ۱۳۸۴، ص ۱۶۵).

تورنس به عنوان یکی از نامدارترین نظریه پردازان حوزه خلاقیت می گوید: «من در ۱۵ سال تجربه مطالعه و آموزش تفکر خلاق و کار با کودکان، شواهدی دیده ام که نشان می دهد خلاقیت را می توان آموزش داد (بیگهتو، ۲۰۰۹). مطالعه رشد خلاقیت در کودکان و شیوه های پرورش آن در دوره های پیش از دبستان همواره با جذابیت های علمی و تربیتی و با فراز و نشیب هایی همراه بوده است تا بدان جا که مطالعات نظری، پژوهشی و کاربردی در حیطه خلاقیت کودکان را میتوان در زمره مباحث مورد نیاز روانشناسی و تعلیم و تربیت کودکان برشمرد و در این میان دوره ی پیش دبستانی و به ویژه دامنه سنی ۵-۶ سالگی از منظر رشد خلاقیت اهمیت ویژه ای برخوردار است تا بدان جا که برخی از سنین پیش دبستانی با عنوان اولین دوره ی طلایی برای رشد خلاقیت کودکان یاد کرده اند (یه، ۲۰۰۸).

امروزه ثابت شده است که برخلاف باور بسیاری که ابداع و خلاقیت را خصوصیت ذاتی بعضی افراد می دانند، این استعداد در نوع بشر به اندازه حافظه عمومیت دارد و می توان آن را با کاربرد اصول و فنون معین و ایجاد طرز تفکرهای جدید و ایجاد محیطی مناسب پرورش داد (آرین، باباپو، خوارزمی، ۱۳۹۴).

جورج اف نلر در تعریف خلاقیت می گوید: در خلاقیت فرآیند تغییر یا توسعه و تکامل در سازمان بندی حیات ذهنی است (مسدود، ۱۳۸۰). با توجه به تعاریف متعدد از خلاقیت عمده ای از صاحب نظران به دسته بندی آنان پرداختند.

تعاریف مبتنی بر دیدگاه شخص خلاق

تعاریف مبتنی بر فرآیندهای ذهنی

تعاریف خلاقیت برحسب نتایج حاصل از آن

تعاریف مبتنی بر تاثیرات محیطی و فرهنگی (مسدود، ۱۳۸۰)

خلاقیت فرآیندی روانی است که منجر به حل مسئله، ایده سازی، مفهوم سازی اشکال هنری، نظریه پردازی و تولیدات اشکالی می شود که بدیع و یکتا باشند. گیلفورد ضمن معرفی تفکر همگرا و تفکر واگرا، به منزله دو شکل عمده تفکر انسان، تفکر همگرا را با هوش و تفکر واگرا را با خلاقیت مرتبط می داند. تفاوت آن ها در این است که در تفکر همگرا نتیجه تفکر از قبل معلوم است یعنی همیشه یک پاسخ درست یا نادرست وجود دارد، در حالی که در تفکر واگرا پاسخ قطعی وجود ندارد و ممکن است پاسخ های احتمالی بسیار زیاد وجود داشته باشد (آیزنک، ۱۳۷۲).

نتیجه گیری:

در سال های اخیر رویکرد روان شناسی مثبت با شعار توجه به استعدادها و توانمندی های انسان مورد توجه پژوهشگران حوزه های مختلف روان شناسی قرار گرفته است (دیویدسون، ۲۰۰۳). می توان خلاقیت را در همه افراد با درجات هوشی گوناگون در افراد آموزش داد. این آموزش باید بویژه از سنین بسیار پایین شروع شود. شناسایی و هدایت استعدادها از اهمیت بالایی برخوردار است. با کشف قابلیت های افراد و تقویت این استعدادها می توان خلاقیت را نهادینه کرد. استعداد یابی خلاقیت، بوسیله آزمون هایی سنجیده می شود. اما راه آسان آن، تمرکز والدین و مربیان بر علایق کودک و محصولات فکری و عملی او بدین گونه که در موضوع خاص، میزان توجه، احاطه به جزئیات، ارائه راهکارهایی که همساز او شاید نتوانند بروز دهند، پاسخ ها و توضیحاتی که به آن موضوع می دهد، نشان از تمرکز کودک بر آن مسأله دارد. استعدادهای دانش آموزان زمانی شکوفا خواهد شد که به تفاوت های فردی آنان و هوش توجه کافی معطوف شود. داشتن انگیزه و خلاقیت باعث آغاز و ادامه فعالیت می شود و یادگیری را بهبود می بخشد و سنگ زیر بنای موفقیت تحصیلی محسوب می شود.

¹ - Bighotto

² Davidson

منابع:

۱. آراین، فهیمه، باباپور، مریم؛ خوارزمی، رحمت اله (۱۳۹۴). اثربخشی معلمین خلاق در آموزش و یاددهی. کنفرانس ملی نگاهی نو به تحول و نوآوری در آموزش.
۲. اف. نلر، جورج (۱۳۸۰). هنر و علم خلاقیت. ترجمه دکتر سید علی اصغر مسدود. انتشارات دانشگاه شیراز، سال ۱۳۸۰.
۳. امیری، اکرم. نوروزی، داریوش، ۱۳۹۱. مقایسه اثربخشی طراحی آموزشی دو روش ابداعانه حل مسئله و بارش مغزی بر میزان خلاقیت دانشجویان دوره های آموزش الکترونیکی دانشگاه صنعتی خواجه نصیر الدین طوسی.
۴. آیزنک، ارنولدومیلی. (۱۳۷۲). گستره کنونی خلاقیت، ترجمه محمد منصور، مجله استعدادهای درخشان، ۲(۲)، ۱۹-۲۴.
۵. سیف، علی اکبر (۱۳۸۹)، روان شناسی پرورشی: روان شناسی یادگیری و آموزش، تهران: آگاه، ویرایش پنجم.
۶. کلارنس ج. راو. (۱۳۶۶). مباحث عمده در روانپزشکی. ترجمه جواد وهاب زاده، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۷. لطیفیان، م. و البرزی، م. (۱۳۸۵). بررسی نقش باورهای انگیزشی بر خلاقیت کودکان. فصل نامه ی انجمن ایرانی روان شناسی، ۱۰(۴).
۸. مفیدی، فرخنده (۱۳۸۲). آموزش و پرورش پیش دبستانی و دبستان چاپ سوم انتشارات دانشگاه پیام نور.
۹. مویدنیا، فریده (۱۳۸۴). مدارس هوشمند رویکردی نو در آموزش و پرورش کشور. شماره ۳۱۴، صص ۲۱-۲۷.
۱۰. میرافضل، فاطمه (۱۳۷۱). نقش عوامل مهم در پرورش خلاقیت، مجله رشد آموزش ابتدایی. پروفیسور حسابی، شماره ۲۸.
۱۱. میلانی، فر. بهروز. (۱۳۷۴). روانشناسی کودکان و نوجوانان استثنایی. تهران: شر قومس. (چاپ ششم). دانشگاه پیام نور.
12. Batey, M., Furnham, A., (2008). "The relationship between measures of creativity and schizotypy", *Personality and Individual Differences*, Vol, 45, PP, 816-821.
13. Beghetto, R.A. (2009). does creativity have a place in class room discussions? Prospective teachers respons. *Thinking skill and creativity*, 2(1), 1-9.
14. Davidson, C. (2003). " Development of a new resilience scale: The connor davidson resilience scale (CD – RISC)" . *Journal of Depression and anxiety*, 18, pp:76-82.
15. Feist, G, J., Marron, F. X., (2003). "predicting creativityform early to late adulthood: Intellect, Potential, and personality", Vol, 37.
16. Roid, H. G. (2005). *Manual stanford bitnet, intelligence scales for early childhood*, fifth edition, Riverside Publishing A Houghton Mifflin Company
17. Neihart, M. (2007). The Socioaffective impact of acceleration and recommendations for best practice. *Gifted Child Quarterly*, 51(4), 33-41